

رسیدن همایون به در کاخ همایون،
نسخه دیوان خواجوی کرمانی،
مکتب جلایری، ۷۹۹ ه. ق. مأخذ:
پاکبان، ۱۳۷۹، ۶۷.



بررسی نگاره‌های نسخه‌های خطی پزشکی تشریح الابدان

مهتاب مبینی* شیدا اسماعیلی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۴/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱/۳۰

چکیده

موضوع این پژوهش بررسی تصاویر نسخه خطی پزشکی به نام «تشریح الابدان» از ابن الیاس شیرازی است که از ترسیم فیگور انسانی برای نشان دادن دستگاه‌های مختلف بدن استفاده کرده است و بندرت بدان در پژوهش‌ها پرداخته شده است. این تصاویر در عین سادگی جسورانه و دارای نوآوری‌هایی است که در قرن هشت هجری نمونه مشابهی ندارد. هدف از این پژوهش ضمن بررسی ریشه‌های این تصاویر، تحلیل پیکره‌هایی است که از حیث تناسبات، ساده نگاری، واقع‌گرایی و... تأمل برانگیزند. پرسش‌هایی در این زمینه مطرح می‌شود: ریشه‌های این تصاویر کجاست؟ تصاویر این نسخه آیا جنبه‌های زیبایی‌شناسی دارد و اصول هنری زمانه در این آثار تأثیرگذار بوده‌اند؟ پژوهش حاضر به بررسی ریشه این تصاویر با سه گمانه زنی می‌پردازد: ۱. ایران باستان (تحت تأثیر نسخه‌های مانوی)، ۲. یونان (یونان در این مبحث از دانش طب پیشرو بوده است)، ۳. آسیای میانه (چین و مغولستان سلطه مغول در ایران و شباهت‌های این تصاویر به نقاشی‌های چینی). اما در موضوع عناصر زیباشناسی، نتایج نشان می‌دهد استفاده از پرسپکتیو مقامی با استفاده از رنگ و پس و پیش کردن عناصر به طبقه‌بندی اعضای بدن کمک کرده است. همینطور با استفاده از عنصر تخیل و گاه با بهره‌گیری از نوشته و خط، تحرک را القا می‌کند. هنرمند با آزمون‌شدن شیوه‌ای نو توانسته از مرزهای اجتماعی و هنری غالب زمانه عبور و با حفظ عنصر خلاقیت به بیان علمی کمک کند. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی

نسخه خطی پزشکی، تشریح الابدان، تشریح منصور، دوره اسلامی، آناتومی، هنر در طب.

* استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، شهر تهران، استان تهران. (نویسنده مسئول) Email: m.mobini@shargh.tpmu.ac.ir
** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، شهر تهران، استان تهران Email: shidmehrpublication@gmail.com

مقدمه

نشده است و اندک پژوهش‌های صورت گرفته به مباحث محتوایی و تنها مرور تصاویر کتاب تشریح الابدان می‌پردازد. به عنوان مثال می‌توان به دایره المعارف علوم پزشکی اسلام و ایران، مقاله‌های یوسف بیگ باباپور و مقالات پراکنده دیگری در فارسی و انگلیسی با موضوعات بررسی متفاوت از تحقیق حاضر با تنها وجه اشتراک نسخه خطی تشریح الابدان اشاره کرد. پژوهشی در حوزه نسخه مصور اسلامی کتاب التریاق جالینوس، توسط پانکاروگلو (Pancaroglu, 2001) به ویژگی تصاویر یکی از نسخ اولیه دارویی اسلامی می‌پردازد. مقاله بررسی نگاره‌های تشریح منصوره از (ناطقیان، ۱۳۸۳) نیز به مرور تصاویر آن می‌پردازد. پایان‌نامه‌ای نیز از (فقیهی رنای، ۱۳۹۴) با عنوان بررسی جنبه‌های آموزشی و تصویری کتاب تشریح منصور بن احمد بن یوسف (تشریح الابدان) که از جمله نتایج قابل توجه این پژوهش می‌توان به استفاده منصور بن محمد از تخیل در برداشته‌های علمی از بدن انسان و تشریح آن نام برد. گرچه آثار او برای دوران معاصر حکم تخیل را پیدا کرده است اما به طور حتم پاسخگوی نیازهای علمی آن زمان بوده است. با این حال نکته قابل توجه این است که او در برداشت تخیلی خود از موضوع، حدود علمی را رعایت نموده، به گونه‌ای که مخاطب فعلی به راحتی می‌تواند پی به اندیشه مولف ببرد. و پایان‌نامه‌ای دیگر در مورد کتاب تشریح الابدان که به بررسی واژگان تخصصی این نسخه خطی می‌پردازد و زاویه‌ی نگاهی کاملاً متفاوت دارد (نیک سرشت، ۱۳۸۹) پیش رو تحلیلی در باب زیباشناسی پیکره‌های ترسیمی در کتاب تشریح منصوره هست و می‌تواند پیش زمینه مناسبی برای سایر پژوهشگران قرار گیرد تا تحقیقات دیگری نیز در این زمینه انجام شود. گنج‌هایی از این دست در کتابخانه‌های ایران بسیار است و می‌توان با نگاهی متفاوت به نسخه‌های کهن به زوایای پنهان بسیاری از متون ارزشمند پرداخت.

کتاب تشریح الابدان

تشریح الابدان (تشریح منصوره)، نخستین رساله مصور کالبدشناسی در جهان اسلام و کامل‌ترین درس‌نامه کالبدشناسی تاریخ پزشکی ایران است، که توسط ابن الیاس در سال ۷۸۹ق/ ۱۳۹۶ م به زبان فارسی، در شیراز تألیف شده است (منزوی، ۱۳۸۲، ۵۳۱). ابن الیاس، پزشک قرن هشتم و نهم هجری و معاصر حافظ شیرازی بود. وی در نیمه نخست قرن هشتم در خانواده‌ای سرشناس که اطباء برجسته‌ای از آن برخاسته‌اند، به دنیا آمد (قره‌گزی، ۱۳۸۶، ۹۰) حرفه پزشکی در خانواده ابن الیاس ریشه‌دار بوده و همین موضوع سبب تمکن مالی و دسترسی آسان او به منابع مختلف پزشکی شده است (رضوی برقی، ۱۳۸۴، ۱۸). وی مؤلف کتاب‌های اختیارات بدیعی، کفایه منصوره نیز هست و احتمالاً بین سال‌های ۷۱۰ و ۷۴۰

مصور کردن کتب علمی از دیرباز مرسوم بوده و کتاب‌های علمی با ارزشی پس از اسلام در ایران مصور گردیده است. تصاویر این نسخ به دلیل مضمون علمی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. می‌توان از نسخه‌های مصور پیش یا هم‌دوره این کتاب به نسخ خطی علمی برجسته‌ای چون کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی (که کهن‌ترین نسخه آن در کتابخانه مونیخ به تاریخ کتابت ۶۷۸ ق موجود است) و کتاب منافع الحيوان جبرئیل بن بختیشوع (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به تاریخ کتابت ۷۰۰ ق) و جامع المفردات (یا جامع الادویه المفردة از ابو جعفر احمد بن محمد غافقی، گیاه شناس قرن ششم هجری - نسخه خطی کتابخانه ملک) اشاره کرد. کتاب خطی دیگر «خواص الاشجار» این کتاب نسخه ممتاز و نفیسی است به زبان عربی نوشته شده است اصل آن به زبان یونانی بوده است و در خصوص گیاهان دارویی است یا نسخه مفید الخاص رازی در حوزه گیاه‌شناسی و نسخه مصور آن موجود در آستان قدس رضوی، تصاویری در مکتب سلجوقی دارد. با این وجود ظاهر نسخه خطی تشریح الابدان اولین نسخه خطی در زمینه پزشکی است که پس از اسلام مصور شده است.

حضور تصویر در کتب علمی دوره اسلامی - با تأکید بر پزشکی - محدود و آنجا که موجود است، به ضرورت است ضرورتی که باعث پیدایش این تصاویر در راستای بیان صریح‌تر متن شده است. تصاویر نسخه خطی «تشریح الابدان» در نگاه نخست کودکانه به نظر می‌رسد اما در بطن خود رازهایی دارد که چگونگی وجودش را بیان میکند و اینکه عنصر زیبایی شناختی فدای چه عناصری شده است. این بخش، جز بخش‌هایی است که نه تنها مستندات کمی در این باره موجود است بلکه به آن نیز بندرت پرداخته شده است و ضرورت مطالعه در این زمینه دیده می‌شود. در تحلیل تصاویر نسخه خطی کتاب تشریح الابدان پرسش‌هایی که مطرح می‌شود: ریشه‌های این تصاویر کجاست؟ تصاویر این نسخه آیا جنبه‌های زیباشناسی دارد؟ آیا اصول هنری زمانه در این آثار تأثیرگذار بوده‌اند؟ بر پایه این پرسش‌ها اهداف پژوهش، ضمن بررسی ریشه‌های این تصاویر به تحلیل پیکره‌ها از حیث تناسبات، ساده نگاری، واقع‌گرایی و... می‌پردازد.

روش تحقیق

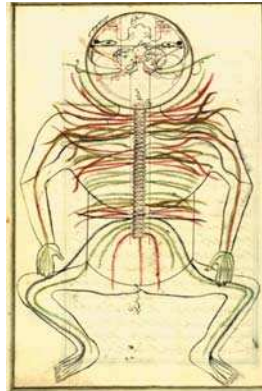
پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه ریشه‌های تصاویر و تحلیل پیکره‌های نسخه تشریح الابدان می‌پردازد و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و جامعه آماری بررسی ۹ نمونه نسخه تشریح الابدان است.

پیشینه تحقیق

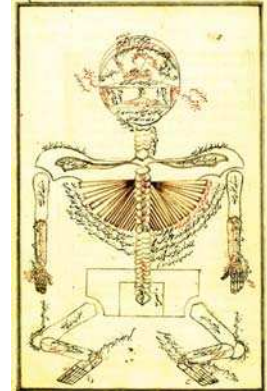
در خصوص نسخ خطی پزشکی تحقیقات زیادی انجام



تصویر ۳. عضلات، ماهیچه‌ها، ماخذ: همان



تصویر ۲. اعصاب، ماخذ: همان


 تصویر ۱. استخوان بندی و اسکلت بدن،
 ماخذ: کتابخانه دانشگاه تهران نسخه خطی
 شماره ۴۵.

و یک خاتمه دارد. مقدمه نسبتاً مفصل کتاب شامل بحثی دینی است درباره حکمت خلقت نوع انسان از طرف خداوند و استدلال بر این که چه قسمت از اندام‌های بدن اول بار در رحم تشکیل می‌شوند. با فصل اول، قسمت علمی تر آن آغاز می‌شود. استخوان‌ها تقریباً به طور مفصل مورد گفت و گو قرار می‌گیرند و تعداد آن‌ها صرف نظر از استخوان‌های کنجیدی و لامی، ۲۴۸ معرفی می‌شوند. (تصویر ۱)

منصور در فصل دوم به شرح سلسله اعصاب می‌پردازد. کالبدشناسان آن زمان اعصاب را چیزی شبیه به سرخرگها و سیاهرگها می‌شناختند و این سه را تنها تشکیلاتی می‌دانستند که به شکل پخش و پراکنده در سراسر بدن یافت می‌شوند. (تصویر ۲) فصل سوم کتاب درباره عضلات است. در آن زمان عضلات هنوز نامگذاری نشده بودند، لذا منصور در اینجا به شرح کلی ساختمان عضله، معرفی اشکال مختلف آن، به صورتی که با چشم مسلح دیده می‌شود و ذکر تعداد عضلات، اکتفا کرده است (تصویر ۳) فصل چهارم از وریدها و انشعابات آن سخن می‌گوید. در این فصل به طور واضح، نظریات ابن سینا را بیان می‌کند. (تصویر ۴) فصل پنجم این رساله درباره شریاین و انواع آن است. (تصویر ۵) فصل آخر به چیزی که منصور آن را اعضای مرکب می‌نامد، اختصاص دارد مانند دستگاه‌های کلیوی و تناسلی. (Newman, 1998, 237) این رساله با یک فصل نهایی درباره آبستنی و جنین‌شناسی توسعه می‌یابد. جنین‌شناسی برای پزشکان آن دوران مسئله فوق‌العاده پیچیده‌ای محسوب می‌شد. (تصویر ۶؛ حصیری، ۱۳۸۹، ۷۷).

شرایط سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری مکتب طب شیراز

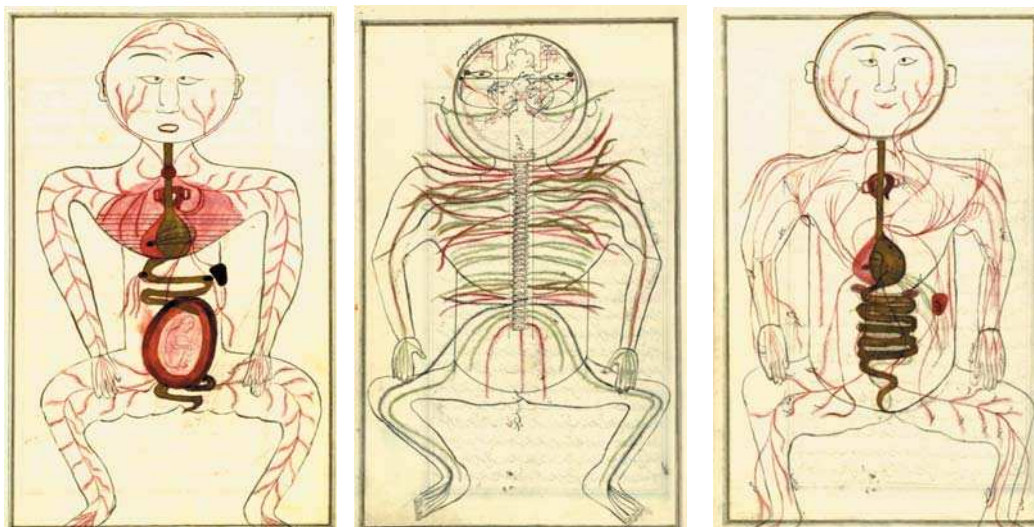
شیراز پس از ویرانی شهر استخر در نخستین سده هجری، نه تنها جای شهر گور (فیروزآباد) به عنوان مرکز اردشیر خوره (که یکی از نواحی پنجگانه در تقسیم بندی

ق متولد شده است و گمان می‌رود که پزشک مخصوص سلطان زین الدین مجاهدالدین علی (حک: ۷۸۶-۷۸۹ ق)، حاکم فارس و چهارمین پادشاه سلسله مظفریان نیز بوده است (ناطقیان، ۴۰، ۱۳۸۳ قزه گزلی، ۱۳۸۶، ۸۹).

کتاب تشریح الابدان مشتمل بر یک مقدمه، ۵ مقاله و یک خاتمه است (کرامتی، ۱۳۸۷، ۲۶۹-۲۶۳). مقدمه پیرامون کالبد شناسی، و پنج مقاله به ترتیب درباره استخوان، پی، ماهیچه، سیاهرگ و سرخرگ است و در پایان درباره اندامهای آلی و به صورت مفصل در باب باروری بحث شده است. این اثر تعدادی تصویر رنگی نیز دارد (منزوی، ۱۳۴۸-۱۳۵۳، ج ۱، ۵۰۸ تاج بخش، ۱۳۷۹، ۲، ۳۷۶). این تصویر سازی‌ها از آناتومی انسان، در نوع خود منحصر به فرد است. کتاب شامل آرای جنین شناختی یونانی و هندی همراه با مفاهیم قرآنی به همراه عصاره‌ای از دانش کالبد شناسی کتابهای عربی پیش از خود و نیز آرای بقراط، ارسطو، جالینوس، رازی، مجوسی، ابن سینا و فخر رازی است. در حقیقت ابن الیاس را می‌توان نماد تمام آثار کالبدشناسی دانست که نویسندگان دوره اسلامی تألیف کرده اند (شریعت پناهی، ۱۳۹۵، ج ۲، ۷۶۵-۷۷۰).

الگو^۱ معتقد است پیشرفت عظیم در علم تشریح در سال ۱۳۹۶ میلادی به وقوع پیوست و آن موقعی بود که منصور بن احمد بن یوسف بن فقیه الیاس دانشمند برجسته ایرانی کتاب تشریح خود را به زبان فارسی تألیف نمود و آن را به امیرزاده پیرمحمد جهانگیر اهدا کرد. پیرمحمد جهانگیر (پسر غیاث الدین جهانگیر) نوه تیمور هرگز نتوانست بر طبق وصیت نامه پدر بزرگش جانشین او شود. اما در مقابل نام خود را با کمک علم و دانش در مقام والتری نسبت به سایر افراد خانواده اش قرار داد. برخی مورخین معتقدند که این کتاب قدیمی ترین کتاب تشریح مصور کاملی است که در ایران نوشته شده است. (الگو، ۶۹، ۱۳۵۲-۴۷۸). این کتاب از چند قسمت تشکیل شده است قسمت اول مربوط به شرح کتاب و بعد از آن مقدمه است. پس از آن پنج فصل

۱. سیریل لوید الگو، تاریخ نگار و شرق شناس (۱۸۹۲-۱۹۷۰م).



تصویر ۶. اعضای مرکب، بارداری، ماخذ: همان

تصویر ۵. شریانه‌ها، ماخذ: همان

تصویر ۴. رگها و عروق، ماخذ: همان

بر فارس حکومت می‌کرد. وی برای مصون ماندن شیراز از حملات ویرانگر مغول داوطلبانه قلمرو خود را تحت حمایت آنها درآورد و شیراز را از ویرانی نجات داد (اشپولر، ۱۳۷۲، ۱۶۶). بدین ترتیب، شیراز همچنان مرکز هنر و کتاب‌آرایی باقی ماند و سبک سلجوقی دوام یافت (آدامو و گیوزالیان، ۱۳۸۲، ۷۵)

در این دوران یعنی زمانی که ابن الیاس در شیراز دست به خلق اثر ارزشمندی چون تشریح الابدان می‌زند، ما با اوج مکتب نگارگری و مکتب طبی شیراز روبرو هستیم. تحولاتی که به شکوفایی هنر و علم انجامیده است. با توجه به آنچه گفته شد شیراز همواره شهری آباد و پر رونق بوده خاصه در این ایام که دانشمندان و هنرمندان بسیاری را در خود جمع کرده است.

طرح آرای متفاوت در مورد ریشه‌های این تصاویر
برخی معتقدند از آنجا که پزشکی در ایران باستان ریشه‌ای کهن دارد می‌توان ریشه‌های این گونه نقاشی را نیز در آن جستجو کرد. داریوش پادشاه هخامنشی برای علم طب ارزش زیادی قائل بود و پزشکان دانشمند را تشویق می‌کرد. مسلم است که برای تربیت اطبای فاضل و ماهر، وجود دانشکده‌های پزشکی لازم است و اسنادی وجود است که بیانگر وجود این دانشکده‌های پزشکی در دوران هخامنشی است (تاج بخش، ۱۳۷۹، ۲۵۱). همچنین سوابق نشان می‌دهد که در این دوره از بدن مجرمان محکوم برای کالبد شکافی و تحقیقات پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است. (Shoja & Tubs, 2007, 361)

ضمن اینکه در سال‌های قبل از اسلام تنها کشوری که از این نظر آزادی‌هایی برای پزشکان خود در نظر گرفته بود ایران بود، و در عهد ساسانیان نیز اجساد کسانی را که به

اداری پارس بود) را گرفت، بلکه دارالحکومه (اقامتگاه والی و مرکز اداری) فارس گردید و از آن پس، گسترش روزافزون یافت. در سده سوم هجری در روزگار صفاریان در زمره شهرهای طراز اول قرار داشت و در سده چهارم هجری در آغاز زمامداری عمادالدوله علی (بنیانگذار سلسله آل بویه) به عنوان پایتخت برگزیده شد و به دلیل موقعیت سیاسی جدید خویش، از آبادانی و رونق فراوان برخوردار گردید. از زمان سلطنت رکن الدین و پس از وی پسرش عضدالدوله، که شخصاً اهل فضل و دانش بودند، با کمک و استعانت علماء، پزشکان و دانشمندان به ایجاد مدارس، دارالشفاه و کتابخانه‌ها پرداختند. دعوت عضدالدوله از جبرئیل بن عبید الله بن بختیشوع^۱ از بغداد جهت ریاست بیمارستان عضدی شیراز را می‌توان نخستین گام در جهت شکل‌گیری مکتب طبی شیراز دانست که پس از آن شاهد رشد دانشمندان و اطبای بزرگی چون خاندان الیاسی^۲ هستیم.

دوره آل اینجو، آل مظفر و تیموری دوره‌ای پرآشوب است که به عصر حافظ نیز مشهور است. در این دوران شاهد فروانروایان نامی چون شاه شیخ ابواسحاق اینجو و سلاطین مظفری امیر مبارزالدین محمد، شاه شجاع، سلطان زین الدین و شاه منصور و در پایان امیر تیمور گورکانی مقارن بوده است. اما با این همه آشوب و تغییر قدرت، مکتب طبی شیراز به بالندگی خود ادامه می‌دهد. در ارتقا علم طب در شیراز تشویق مادی و معنوی پادشاهان و حکام شیراز و فارس بسیار مؤثر بوده است، وقف و تعیین موقوفه برای آموزش طب، ساخت مدارس علمی، احداث بیمارستانها و درمان مجانی بیماران از نکاتی است که رونق این علم در شیراز مؤثر بوده است. (گلشنی و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۴۱-۳۵۰).

زمانی که مغولان به ایران حمله کردند، ابوبکر بن سعد^۳

۱. خاندان بختیشوع؛ خانواده‌ای عموماً پزشک، فرزندان و فرزندزادگان بختیشوع، پزشک نسطوری قبل از اسلام که از تبارشان تا حدود سه قرن بعد از اسلام، یازده پزشک نامدار خصوصاً در دربار خلفای عباسی به طبابت مشغول بوده‌اند و بیشتر افراد خاندان، صاحب تألیفات پزشکی بوده‌اند. (دایره المعارف علوم پزشکی اسلام و ایران، ۱۳۹۰، ۹۸۷-۹۹۵)

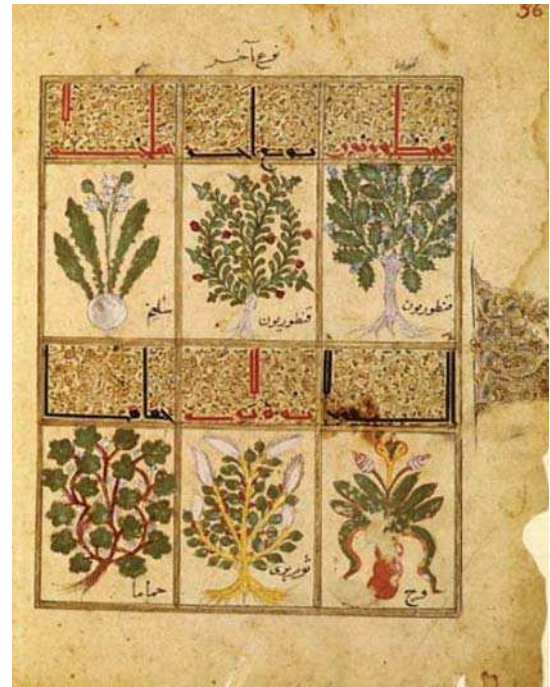
۲. مکتب طبی شیراز؛ که از دوره دیلمی تا آغاز صفوی ادامه داشته و لقب دارالعلمی را یک می‌کشد، با دارا بودن مدارس علمی، بیمارستانها و مراکز درمانی و کتابخانه‌های مجهز شهرتی جهانی یافته بود. علما و دانشمندان بزرگی در این مکتب پا به عرصه نهاندند که شیوه‌های نوینی در پزشکی ابداع نمودند، و رونق و پیشرفت پزشکی را سبب شدند. مکتب پزشکی شیراز، یکی از مکاتب علمی ایران است، که در حدود ۱۰۰۰ سال در درمان و آموزش علم طب پیشقدم بوده است. تبحر علمی اطباء شیراز، تنها در این شهر منحصر نبوده و علاوه بر ایران، حتی بر سرزمین هندوستان نیز تأثیر نهاده است تا آنجا که هر کس علم طب را در شیراز فرا گرفته بود، در سایر سرزمینهای اسلامی، اعتباری دوچندان داشت. (گلشنی و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۴۱-۳۵۰)

۳. از خاندان‌های شیرازی که در بیشتر علوم و بویژه علم پزشکی سرآمد بودند و از دوره اتابکان سلغری تا قاجار امتداد داشته‌اند؛ ابن الیاس، یکی از افراد دانشور الیاسی است. (دایره المعارف علوم پزشکی اسلام و ایران، ۱۳۹۰، ۱۷۴-۱۷۷)

۴. ابوبکر بن سعد؛ متعلق بود به خاندان سلغریان که از اتابکان بودند.



تصویر ۸. جوامع اسکندرانیین (مجموعه ای از ۱۶ کتاب مهم جالینوس از مهمترین منابع آموزشی برای پزشکان در دوره اسلامی، کتابخانه دولتی وین، ماخذ: رفیعی ۱۳۹۶).



تصویر ۷. کتاب التریاق از جالینوس، ماخذ: کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی، (کتاب از یونانی به عربی ترجمه شده است)

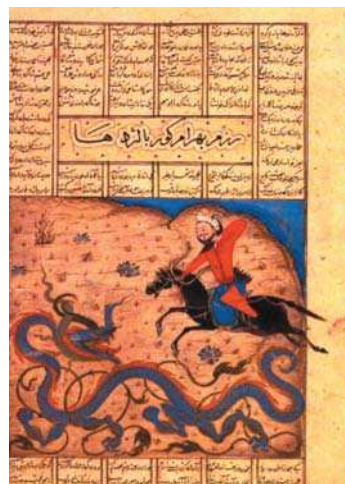
انسان داشت و با نوعی حرمت گرایی در ترسیم انسانی، رو به سوی چکیده نگاری و انتزاع گرایی نهاد. نمایش پیکره برهنه انسان در هنر ایرانی پدیده‌ای نادر است و عدم علاقه به نمایش آن از سنت‌های پایا و متدوام در طول تاریخ بوده و پیش و پس از اسلام ثابت می‌ماند. به طور کلی برهنگی در فرهنگ ایرانی اسلامی همواره ناخوشایند بوده است. (محمدی وکیل و بلخاری قهی، ۱۳۹۳، ۶). همچنین از پیدایش علم تشریح تا مستولی شدن تعصبات مذهبی بر جامعه زمان زیادی نبود که بتوان نقش مؤثری در پیشرفت این علم مشاهده کرد بالطبع باید قبول کرد در سالهایی که سایر رشته‌های پزشکی با سرعت پیشرفت می‌کردند این تعصبات مذهبی بودند که مانع پیدایش تحرکی در این رشته گشته‌اند. (الگود، ۱۳۵۲، ۴۷۰)

چنین می‌نماید که پزشکان دوره اسلامی که بدلیل حرمت شکافتن اجساد در شریعت اسلام، آزادی عمل چندانی در این زمینه نداشتند. در واقع دانش تشریح مسلمانان، همچون بسیاری از شاخه‌های دیگر پزشکی، عمدتاً تحت تأثیر دیدگاه‌های جالینوس بود. (تصاویر ۷ و ۸) در منابع اسلامی نیز به ندرت به اشاراتی حاکی از تلاش پزشکان این دوره در کالبدشکافی بر می‌خوریم (کرامتی، ۱۳۸۷، ۲۶۹-۲۶۳). در واقع این ادعایی است که نمی‌توان صرفاً بدلیل فضای حاکم پذیرفت که این ممنوعیتها و محدودیتها در کشوری که در این علم پیشرو بوده، مؤثر افتد. با توجه

علت ارتکاب جرمی اعدام می‌شدند در اختیار اطباء و محققین علم پزشکی می‌گذاشتند تا تشریح شوند. جندی‌شاپور، پایتخت شاپور دوم، به عنوان یک شهر جهانی و دانشگاه آن مرکز علوم پزشکی برای چندین قرن بود و دارای اولین بیمارستان‌های آموزشی در تاریخ پزشکی است. (Elgood, 1952, 26) متأسفانه نمونه‌ای مصوری از نسخه‌های خطی در آن زمان در دست نیست. اما وجود لوحه‌های گلی بدست آمده از ایران باستان در زمینه علم هندسه مربوط به حدود ۳۸۰۰ سال پیش، قدمت استفاده از تصاویر علمی را نشان می‌دهد. (قادری و خزایی، ۱۳۸۹، ۱۰۱) بر اساس نظریه الگود ایرانیان پایه گذار اصول آناتومی و فیزیولوژی، بسیار پیشتر از یونانیان بودند (Elgood, 1952, 26) و این نشان از رشد این علم در ایران، به دور از محدودیت و تعصبات می‌تواند باشد. از طرفی باید این موضوع را هم در نظر گرفت که در قلمرو هنر اسلامی و بر پایه آموزه‌های شرقی، نوعی انسان گرایی معنوی مورد توجه قرار داشت که انسان در آن «خلیفه الله» بر شمرده می‌شد (محمدی وکیل و بلخاری قهی، ۱۳۹۳، ۶). در آیین اسلام بنا به کلام اساسی «لا اله الا الله» اعلام باور به احدیت و یگانگی خدا نخستین شرط مسلمانی است و طبق آن «محور مرکزی اسلام، احدیت و وحدانیت است، ولی هیچ تصویری قادر به بیان آن نیست» (بورکهارت، ۱۳۱، ۱۳۱)، به تبع این اندیشه، محتوای هنر گرایش به اصالت معنوی



تصویر ۱۰. جنگ شاهپور بارومیان، شاهنامه‌های کوچک، واخرسدهٔ ۵۷. مکتب ال اینجو، ماخذ: سودا، ۱۳۸۰، ۳۸.



تصویر ۹. نگاره‌ای از نسخه شاهنامه، نبرد بهرام گور با اژدها، مکتب شیراز (مظفریان)، ماخذ: پاکبان، ۱۳۷۹، ۷۰.

ایلخانان مغول با همه ستیزه‌جویی مروج هنر بودند. ضمن اینکه مغول‌ها عده‌ای از نقاشان چینی را همراه خود به ایران آوردند. به همین جهت تأثیر سبک نقاشی چینی در بسیاری از تصاویر اوایل عصر مغول دیده می‌شود. قدیمی ترین نسخه به دست آمده از عهد ایلخانی ترجمه فارسی منافع الحیوان ابن بختیشوع^۱ است (تصویر ۱۲) که به فرهنگ و اهمیت نسخه‌های پزشکی اشاره دارد (کن بای، ۱۳۸۷، ۱۲۸). در این کتاب تاریخ طبیعی با افسانه‌های کهن در هم آمیخته شده‌اند. پس از انقراض سلسله ایلخانی، جلالتی‌ها سر کار آمدند که به فنون کتاب‌نویسی توجهی خاص داشت (کتاب عجایب المخلوقات قزوینی برای کتابخانه سلطان احمد جلایر نوشته شده است). در این زمان هنرمندان در شیراز دست به ایجاد آثاری متفاوت از مکتب تبریز می‌زدند که به مکتب شیراز معروف است. (ساده گرای و تأثیر کمتر نقاشان از شیوه چینی بود). تیمور نیز با همه خشونت اخلاقی و ویرانی که ببار آورد دوستدار علم و هنر بود و هنر نگارگری در دورانش به طور شگفت‌آوری ترقی کرد. شیراز از مراکز است که بهترین آثار نقاشی این زمان را نشان می‌دهد. (حاتم، ۱۳۹۱، ۴۵-۴۸).

در واقع با آغاز سده هشتم هجری در ایران، هنر کتاب آرای و وارد مرحله نوینی شد و آثاری کم نظیر تهیه و تولید گردید. از جمله مهمترین مراکز تجمع هنرمندان در این عصر می‌توان به شهرهایی چون تبریز، مراغه، همدان، سلطانیه، شیراز و بغداد اشاره کرد. شیراز پایگاه اصلی هنر و هنرمندان این دوره است. در این شهر زمینه‌های شیوه‌های نو در عصر هنر کتاب آرای پی ریزی شد. (معتقدی، ۱۳۸۷، ۱۱۸) حال فرضیه دیگری مطرح می‌شود با نگاهی عمیق‌تر می‌توانیم، متوجه تأثیرات سنت قوی تصویرگری و کتاب آرای در میان مانویان چه بر نقاشی خاور دور- «با توجه به شواهد و مدارک عینی، به خصوص آثاری مکشوف در

به اینکه تاریخ نگارش این کتاب دوره‌ای را در برمی‌گردد که با آزادی‌های فکری مواجه هستیم.

بنابراین در دوران اسلامی، هنرهای تجسمی ایران باستان در شکوفایی هنر اسلامی و همچنین تأثیر جهان‌بینی اسلامی در احیای سنت‌های هنر ایران نقش به‌سزایی دارد و این باور که هنر اسلامی، هنری صرفاً تجریدی است را نفی می‌کند. توجه داشته باشید که بخش اعظمی از نقوش به ویژه سفالینه‌ها اختصاص به پیکره انسان دارد. این گونه آثار همانگونه که ریشه در هنر ایران قبل از اسلام دارد دیگر بار در ایران اسلامی اجازه حضور و بالندگی می‌یابند. (خزائی، ۱۳۸۵، ۴۶) برخی معتقدند که تصاویر تشریح منصوری ریشه‌های چینی و مغولی دارد. با نگاه به این تصاویر متوجه می‌شویم که صورت پیکرها ویژگی‌های مغولی دارد. ضمن اینکه «پس از یورش مغولان در قرن هفتم هجری و ارتباط مستقیم با خاور دور برخی نقشمایه‌های چینی به عصر مصورسازی کتاب و هنرهای تزئینی وارد شد». (پاکبان، ۱۳۸۷، ۷۲۸)

حکومت ایلخانان دو نتیجه مهم برای نقاشی ایرانی به همراه داشت: یکی انتقال سنت‌های چینی و دیگری نوعی هنرپروری که سنت کار گروهی هنرمندان در کتابخانه-کارگاه سلطنتی را پدید آورد. در محیط فرهنگی جدید، فعالیت نقاشان در عرصه کتاب‌نگاری وسعتی چشمگیر یافت. کوشش آنان بیش از پیش به حل مشکل ناهمخوانی سنت‌ها و تأثیرات مختلف هنری معطوف شد. بلندپروازی یا علاقه‌مندی حامیان نیز آنان را در رسیدن به این هدف یاری کرد. تداوم این وضع در زمان اینجویان، مظفریان و جلالیریان (تصاویر ۹ و ۱۰) به شکل سبکی نوامیه در نگارگری ایرانی انجامید (پاکبان، ۱۳۷۹، ۶۰). آل اینجو، که مقرر فرماندهی خود را شیراز قرار داده بودند، در حمایت از کتاب‌آرای و نگارگری کوشیدند. (کن بای، ۱۳۷۸، ۴۱)



تصویر ۱۲. تصویری از کتاب منافع الحيوان، نسخه خطی ۲۷۸۲، ماخذ: کتابخانه ملی پاریس.



تصویر ۱۱. رسیدن همای به در کاخ همایون، نسخه دیوان خواجوی کرمانی، مکتب جلایری، ۷۹۹ ه ق، ماخذ: پاکبان، ۱۳۷۹، ۷۰.

۲۱۶-۲۱۹). حال این سؤال بوجود می‌آید که این کتابها که سوزانده شده آیا در سه قرن اول هجری سرمشق هنرمندان ایران و بین النهرین نبوده و آیا این تصاویر پایه‌های کار مکتب نگارگری بغداد و شیراز را تشکیل نداده است؟

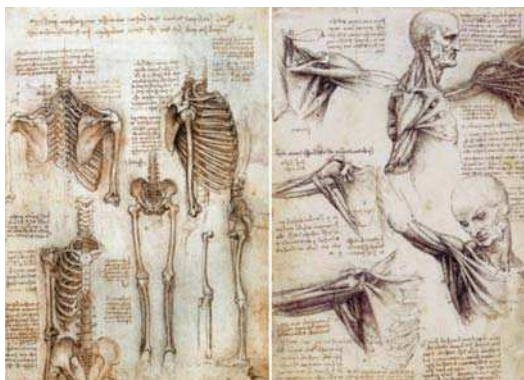
از طرفی بخاطر ممنوعیت ترسیم برخی باور دارند که ریشه‌های این نقاشی‌ها یونانی هستند. در بیشتر موارد نویسندگان کورکورانه از نظریه اطبای یونانی پیروی می‌کردند و بندرت اتفاق می‌افتاد که کسی به نظریات جالینوس یا بقراط شک کند. (الگود، ۱۳۵۲، ۴۹۳) فیلدینگ هادسن گریسن^۱ معتقد است که تصاویر تشریح الابدان، طرحهایی است که ارسطو در تدریس تشریح بدن انسان از آن استفاده می‌کرد و از طریق مدرسه اسکندریه به ایران راه یافت زیرا معروف است که هروفیلوس^۲ و اریستراتوس^۳ کالبدشناسی را با استفاده از تصاویر تعلیم می‌دادند. (شریعت پناهی، ۱۳۹۵، ج ۲، ۷۶۵-۷۷۰) ترسیم‌های کتاب تشریح الابدان، علاوه بر ظاهر غریبشان حاوی سنتی کهن است، که احتمالاً در اسکندریه پدید آمد. این ترسیم‌ها در بسیاری از نسخه‌های خطی رساله منصور وجود دارد. (دیوان هند، لندن کتابخانه ملی پاریس موزه بریتانیا بادلیان برلین) (سارتن، ج ۳، ۳۸۵۹، ۱۳۸۲)

کارل زوتهوف^۴ نیز بر آن بود که منشأ این تصاویر، دره نیل یا بین النهرین است. علت این دیدگاه آن بود که در این تصاویر شباهت‌هایی با شیوه‌های نقاشی یونانی، مصری و حتی هندی وجود داشت و هیچ نشانی از شیوه‌های ترسیم ایرانی و اسلامی دیده نمی‌شد و همین مطلب نشان می‌دهد که منشأ آنها ایرانی نیست (شریعت پناهی، ۱۳۹۵، ج ۲، ۷۶۵-۷۷۰). این تصاویر پنج فقره هستند و به همین علت زوتهوف آنها را «تصاویر خمسه» نامیده است. (الگود، ۱۳۵۲، ۴۹۵)

تورفان (ترکستان) - و تأثیر و نفوذ این سنت در نگارگری ایران دوران اسلامی شویم». (پاکبان، ۱۳۸۷، ۵۱۴). نقاشی چینی پیش از ورود به ایران از سنت‌های تصویرگری مانویان متأثر است.

در حفاری تورفان نمونه‌هایی از کارهای مانویان کشف شده است که حکایت است که مانویان یک غار را در ممالک مشرق به صورتهای گوناگون آراسته بود و یا ممکن است در قرن هشتم میلادی و در زمان یکی از خوانین اویغوری که به کیش مانی در آمده بود، صورت گرفته باشد. در یکی از این نمونه‌ها حال کلی نقوش از نظر شکل صورت کاملاً مغولی است ولی وضع لباسش به صورت ساسانی است. در این حفاریها نمونه‌هایی از نگاره‌های مانویان نیز به دست آمده است. این نگاره‌ها، مهم و گرانبها هستند زیرا توسط عده‌ای ایرانی و معتقد به پیامبری ایرانی بعمل آمده و روش‌های آن به احتمال قوی از کشور ساسانی به ترکستان و در آنجا شاهکارهای هنری بوجود آمده و بقول آرتور کریستن سن به نگارگری اسلامی الهام بخشیده است. روایت دیگری نیز هست با اینکه در اوایل دوران اسلام نفوذ هنر چینی در نقاشی قابل ملاحظه بوده و می‌باید با روشهای ساسانی تلفیق و در ایجاد آثار تأثیر کرده باشد ولی شاگردان و پیروان مانی که به آسیای مرکزی مهاجرت کرده بودند ممکن است چینی شمرده شده باشند (کریستن سن، ۱۳۳۲، ۲۲۱-۲۳۰). در سمت غرب ایران نیز از کارهای مانی و شاگردانش صحبت شده است و این نشان می‌دهد که دسته‌ای از پیروان مانی در بین النهرین بوده اند و مانند مهاجرین مانوی ترکستان، احتمالاً کارهای مانی را تعقیب کرده و آثاری بوجود آورده اند و این آثار در دسترس خلفای عباسی بوده است، که بسیاری از این کتابهای مصور سوزانده شده است. (زمانی، ۱۳۵۵،

۱. هادسن گریسن (۱۸۷۰-۱۹۳۵ م).
 ۲. هروفیلوس، کالبد شناس یونانی (قرن چهارم قبل از میلاد).
 ۳. اریستراتوس (قرن سوم قبل از میلاد).
 ۴. کارل زوتهوف؛ محقق آلمانی در تاریخ پزشکی (۱۸۵۳-۱۹۳۸ م).



تصویر ۱۳. آناتومی انسان، طراحی توسط لئوناردو داوینچی، بین سال‌های ۱۵۰۹ تا ۱۵۱۰، ماخذ: www.x-ray90bir.blogfa.com

است: یکی راه مستقیم از غرب به شرق که عبارت از انتقال از مدارس یونانی مآب اسکندریه و انطاکیه و سوریه است به عراق، و دیگر راه غیر مستقیم یعنی از شرق به غرب است که عبارت از راه ایران یا به تعبیر دقیقتر راه جنوب ایران و خوزستان باشد. و با اینکه طبق این نظر راه اصلی انتقال طب یونانی می‌بایستی همان راه مستقیم یعنی مدارس یونانی مآب آسیای صغیر و اسکندریه باشد، بنابراین در قرنهای نخستین اسلامی اثر قابل ذکری از این راه در تاریخ طب عربی و اسلامی مشاهده نمیشود و آنچه آثار اصلی و اساسی است چه از نظر تعلیم طب و تألیف و ترجمه کتب همه از طریق ایران یا به تعبیر دقیق تر از جندی‌شاپور به بغداد و عالم اسلام راه یافته است. به نظر می‌رسد بدلیل عدم تحقیقات و مدارک کافی از اواخر ساسانی و قرنهای نخستین اسلام، نظریه‌های محققان مبتنی بر همان اصل کلی است که منشأ علوم را یونان شمرده‌اند، بدون توجه به تحولاتی که همین علوم در مراکز دیگری به جز یونان یافته‌اند. (ملایری، ۱۳۷۹، ۲۷۷-۲۸۲) مدرسه جندی‌شاپور با وجود اینکه زیر نظر دولت ساسانی بود و در قلمرو مذهب زرتشتی بود ولی آثار منسوبش نشان نمی‌دهد که تعلیماتش تحت تأثیر هیچ یک از مذاهب قرار داشته برخلاف مدارس اسکندریه و انطاکیه که تبدیل به مراکز دینی مسیحی بودند و محدودیت‌هایی داشتند، بلکه برعکس نشان می‌دهد آنجا فقط یک مرکز علمی و درمانی بوده است. (Price، ۲۰۰۱) و بدیهیست که در چنین مرکزی که در آن زمینه برای آمیزش فکری و علمی دانشمندان از فرهنگ‌های مختلف به آزادی فراهم بوده، پیشرفت علم و دانش بهتر و سریعتر صورت می‌گرفته است. بهره‌گیری خلفای عباسی از طبیبان ایرانی و مدرسه جندی‌شاپور نشان از برتری علمی این مدرسه به سایر مدارس همزمانش چون اسکندریه و انطاکیه دارد.

تشریح‌الابدان به دلیل تنوع مطالب و ابداع شیوه جدید در دسته‌بندی و ارائه دانش تشریح، و مهم‌تر از همه مصور بودن، در پزشکی دوره اسلامی بی‌نظیر است زیرا مؤلف با نادیده انگاشتن برخی دستورات عرف مبنی بر حرمت کشیدن تصویر انسان، هنر تصویر سازی را به خدمت گرفته و رساله مصور زیبایی را بوجود آورده است. به نظر می‌رسد پس از هجوم چنگیزخان (حک: ۶۰۳-۶۲۴ق)، مؤسس امپراطوری مغول و تیمور گورکانی، فضای اجتماعی چنان شد که سنت‌های صدها ساله از جنبه‌های گوناگون در هم شکست از جمله فعالیت مذهب شیعه پس از چند صد سال رونق گرفت و از فشار حکومت خلفای عباسی کاسته شد و پارسی‌نویسی و به همین ترتیب تصویرگری کتابها رونق یافت. هرچند که از گذشته‌های دور حکما و پزشکان تصاویر بسیار ساده‌ای را برای بیان مطالب علم تشریح به کار می‌بردند، به عقیده برخی اولین کسی که علم تشریح بدن انسان را به کمک نقاشی متحول کرد، لئوناردو داوینچی (زندگی: ۱۴۵۲-۱۵۱۹م) بود.

سیریل الگود معتقد است که در حدود ۷۰۰ ق م در یونان در هیچ زمینه‌ای از جمله پزشکی، علوم و هنر نشانه‌های فرهنگی برجسته‌ای برخورداریم ولی حدود دو الی سه قرن بعد در یونان، حکمت و علوم از جمله پزشکی چنان پیشرفتی کرد که بقراط رسالات پزشکی مشهور خود را نوشت و فلاسفه بزرگ یونان ظاهر شدند. موله در کتاب تاریخ دامپزشکی خود مطرح می‌کند یونانیان حوادث و وقایع اتفاق افتاده برای ملل دیگر از آن جمله ایرانیان را به خود نسبت داده‌اند. از همه مهمتر آنکه کتب و مدارکی را که از منابع ایرانی اخذ کرده‌اند و اکثر آنها عنوان یغما و غارت داشته، عیناً به زبان یونانی ترجمه کرده‌اند ولی از اسم مؤلفین و نویسندگان اصلی چیزی ذکر نشده است. همینطور در کتاب تاریخ دامپزشکی از لکلنش آمده مجموعه علمی و پزشکی منسوب به سقراط از کتابهای ایرانی و هندی و مصری اقتباس شده است. (تاج‌بخش، ۱۳۷۹، ۲۵۴)

قرن‌ها پیش از آنکه یونان تمدنی داشته باشد، در بین‌النهرین و در سرزمینی که اکنون آن را ایران می‌نامند، علوم پزشکی رواج داشته است. حمله اسکندر مقدونی باعث شد که بسیاری از دانشمندان کشته شوند و منابع علمی از ایران به یونان منتقل شد. (همان، ۲۵۳) دانشمندان دوره اسلامی، به ویژه پس از آنکه در نیمه نخست سده ۳ ق بسیاری از آثار یونانی، به ویژه آثار جالینوس درباره تشریح به عربی ترجمه شد، در پژوهش‌های خود از دیدگاه‌های یونانی تأثیر بسیار گرفتند. اما برخی آثار حاوی ملاحظات کالبدشناختی، کهن‌تر از آن است که بتوان آنها را نیز در این جمله به شمار آورد. بی‌شک باید رد پای محتوای این آثار را دیگر حوزه‌های تمدنی سرزمینهای اسلامی و به ویژه ایران باستان جستجو کرد. رازی، پزشک پر آوازه ایرانی، چند تک‌نگاری درباره کالبدشناسی اعضای بدن داشته است (کرامتی، ج ۱۵، ۱۳۸۷، ۲۶۹-۲۶۳)

ماکس میرهوف محقق آلمانی در بحثی تحقیقی و کم‌نظیر برای انتقال علم طب یونانی به مسلمانان دو راه فرض کرده

۳۸۹، گزیده تصاویر تاریخ پزشکی، ۱۳۸۷، ۱۴۴-۱۳۴)

تحلیل تصاویر کتاب تشریح الابدان

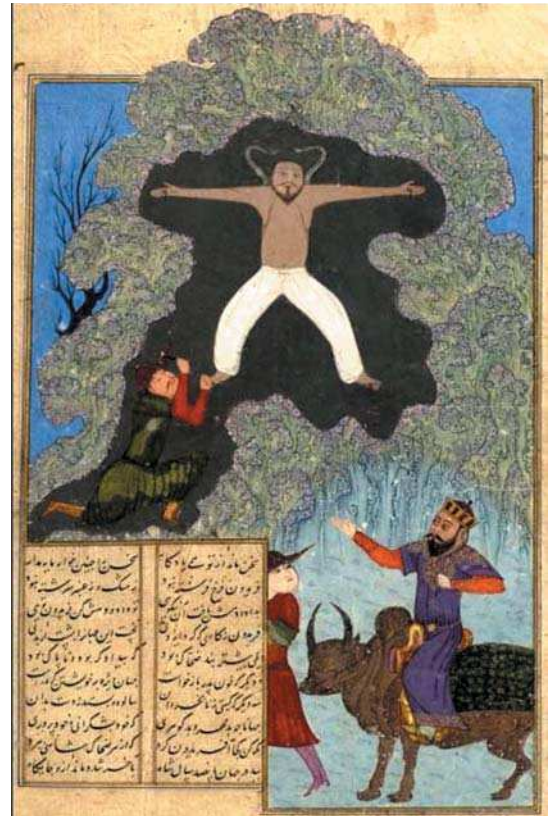
نگاه کنید به نمونه‌ای از این تصاویر از نسخه خطی (شماره ۴۵۰ دانشگاه تهران). این تصاویر ۶ عدد و در تمامی نسخه‌ها عمدتاً مشترک و شبیه‌اند. (تصاویر ۱ تا ۶)

* در این دوران مکتب شیراز در حال اوج‌گیری است و نگارگری به حد اعلائی رسیده است، در واقع مختصات نگارگری در حال شکل‌گیری ست به علاوه خط نستعلیق هم در این دوران پی‌ریزی شد. اما آنچه در تصاویر این نسخه به چشم می‌خورد فاقد هرگونه ارتباطی با این مکتب است. سؤال این است در این دوران که فضای غالبی در ترسیم وجود دارد، در شهری مثل شیراز و در فاصله اندکی از سایر نسخه‌های اعلائی این دوران چگونه با نسخه‌های متفاوت مواجه هستیم؟ به نظر می‌رسد که این یک انتخاب آگاهانه است، نه تنها به خاطر اینکه نسخه علمی است و هدف دیگری را در بیان دنبال می‌کند بلکه توانسته از مرزهای اجتماعی و هنری غالب عبور و شیوه‌ای نو را بیازماید. در زیر نمونه‌ای از تصویری تقریباً هم‌زمان با این اثر در مکتب شیراز مشاهده می‌کنید. (تصویر ۱۴)

* در نقاشی‌های کتاب تشریح الابدان ساده‌سازی به‌کار رفته است و همه عناصر تا حدی که می‌توانستند کم شدند تا به آن بحث اصلی پرداخته شود. با توجه به اهمیت علم بر هنر، هنرمند با حذف رنگ و به جهت بهتر نشان دادن اندام و نکات کلیدی علمی مدنظر پزشکی از حداقل عناصر تجسمی بهره برده است.

* آیا با یک هنرمند روبرو هستیم؟ نقاش نگاه ساختاری به نقاشی داشته است. با بررسی و تحلیل نقاشی‌های مجموعه می‌توان به این نتیجه رسید که نقاش با نگاهی خارج از عرف زمانه به موضوع پرداخته است و هوشمندانه عمل کرده است. استفاده از خط و متن بصورت ساختاری و تزئینی که حس نقاشی‌خط می‌دهد (امروزه این یک کار مدرن قلمداد می‌شود و در زمان قاجار و دوره معاصر هنرمندانی نظیر حسین زنده‌رودی به آن می‌پردازند). نقاش با به‌کارگیری عناصر خط و خوشنویسی (تصویر ۳) همراه با شکل‌گرافیکی و استفاده از میانی‌هنرهای تجسمی بطور آگاهانه به بیانی جدید رسیده است می‌توان گفت شخصی که این کار را انجام داده به گونه‌ای نقاش و هنرمند بوده و از توانایی هنری و شناخت ذهنی فراتر از زمان خود برخوردار بوده است و همچنین با بهره بردن از شکل نوین صفحه آرای قرن نهم (حاشیه‌نویسی) به بیان تزئینی و گرافیکی بهتری رسیده است.

* در نگارگری مرسوم قرن نهم و پس از آن به‌عنوان یک اصل همیشه صورت از سرخ ترسیم شده، در حالی که در این نقاشی‌ها با توجه به نیاز کاملاً از روبرو ترسیم شده است.



تصویر ۱۴ ضحاک بر دماوند چهارمیخ می‌شود، ماخذ: Brend,2010,f.223

(تصویر ۱۳) با این وجود آنچه تاکنون بیان نشده این است که در محدوده جهان اسلام، ابن الیاس اولین کسی بود که توانست محدودیتهای مذهبی را در خصوص تشریح بدن انسان و تصویرسازی کنار گذارده، اولین آناتومی مصور دنیای اسلام را به شیوه‌ای جدید بنویسد. ضمن اینکه با در نظر گرفتن زمان حیات او که حدود صد سال بیشتر از داوینچی است، می‌توان او را در این کار پیشرو دانست. این کتاب حاوی تصاویری از بدن انسان است که در علم تشریح به کار گرفته می‌شد. به عقیده برخی مورخان، کتاب تشریح الابدان ابن الیاس قدیمی‌ترین و کاملترین کتاب تشریح است که در ایران نوشته شد و باعث پیشرفت عظیمی در علم تشریح گشت و به دلیل مصور بودن بر کتب دیگر مسلمانان برتری دارد. (شریعت پناهی، ۱۳۹۵، ج ۲، ۷۶۵-۷۷۰)

ویژگی مشترک تصاویر این است که فیگور انسانی با حالتی شبیه قورباغه، زانوها دور از هم و خمیده، دستها نزدیک زانو، سر به سمت جلو با صورت کاملاً گرد نمایش داده شده‌اند. حالت چشم و ابروی این تصاویر مغولی است که احتمالاً مرتبط به فضای اجتماعی پس از هجوم چنگیز خان و تیمور گورکانی به ایران است (الگود، ۱۳۷۱، ۳۸۷-۳۸۸)

* در این نقاشی‌ها با استفاده از پرسپکتیو مقامی بنا به نیاز بیننده، اعضا داخلی بدن طبقه‌بندی شده، برای اینکه جزئیات بیشتری را نشان دهد و به گونه‌ای به آن بعد بخشیده است.

* آیا ما با پزشک نقاشی مواجه هستیم که خودش اعضاء را دیده یا نقاشی که پزشکی برایش شرح داده؟ این نقاشی‌ها نزدیک به اصول علمی است، از حد تئوری گذشته و به واقعیت نزدیک می‌شود و نوعی نقاشی توصیفی و تدریسی است. از طرفی تصاویر این رساله از روی نسخه اصلی کپی شده است و طراح و کپی‌کننده معلوم نیست. «از تصاویر رساله اصلی و اولیه، جز تکه‌ها و قسمت‌هایی، باقی نمانده است، که اجرای تصاویر آن را به شخص منصور بن الیاس نسبت می‌دهند.» (ناطقیان، ۴۴، ۱۳۸۳)

با توجه به ممنوعیت‌های دینی، ترسیم بدن و چهره (خصوصاً در مورد زنان)، هنرمند نقاش هیچگاه به ترسیم درست و دقیق متناسب بدن انسان، کار نکرده است، اما با توجه به تصویر ۶ که مربوط به بارداری و جنین است عبور از مرزهای سختگیرانه زمانه را انجام داده است. حتی در بخش آناتومی زن، با استفاده از موی بلند (در فرهنگ آسیای میانه زنها عموماً موی بلند داشتند) حس زنانه را به بیننده القا می‌کند.

بعلاوه با توجه به محدودیت‌های صورت‌نگاری، باید این را هم در نظر گرفت که این نسخه‌ها عمومی نبوده و تخصصی و صنفی بوده و در اختیار اطباء بوده، پس این ممنوعیت برای مسائل علمی زیرپا گذاشته شده است.

* بررسی این تصاویر در چارچوبی مستقل از نقاشی ایرانی امکان‌پذیر است. استفاده از خط به عنوان تکنیک، در این تصاویر بارز است، در حالی‌که نقاشی ایرانی همراه با رنگ آمیزی تخت است و ذهن تزئین‌گرای ایرانی‌ها از سادگی دوری می‌کند. در مکتب نقاشی ایرانی، با توجه به پرسپکتیو مقامی چشم بیننده همیشه به نقطه مرکزی تصویر هدایت می‌شود، ولی در نقاشی چینی چشم تا بی‌نهایت می‌رود.

* در ترسیم سیستم رگها و اعصاب با استفاده از نوشته و خط، نوعی تحرک و حرکت را القا می‌کند (تصاویر ۲ و ۵). در واقع از عنصر تخیل استفاده کرده و نوعی پرسپکتیو درونی بوجود آورده است. در حقیقت استنتاج علمی خودش را با تصویر و حرکت و شکل نشان داده است.

* در بخش استخوان‌بندی (تصویر ۱)، با ساده کردن نقاشی و استفاده از شکل‌های هندسی به نوعی از شبه عمق‌نمایی استفاده کرده است. و برای اجزا (بطور نمونه استخوان لگن) نزدیک‌ترین شکل را برگزیده است.

* تصاویر ۱ و ۲ که از پشت ترسیم شده با استفاده از تخیل نقاشانه و برای القای پشت سر، چشم و بینی را به سمت بالا قرار داده است و به طریق آگاهانه‌ای با بکارگیری یک پرسپکتیو خاص، فضاهایی که لازم داشته‌اند نشان داده

و از سایه روشن استفاده نکرده است.

* در ترسیم نقاشی‌ها، ابعاد غیرواقعی و مقیاس‌ها نادرست است که می‌تواند به دلایل زیر باشد:

۱. شاید برای نقاش توصیف شده و بطور مستقیم خودش ندیده است (نقص در ترسیم).

۲. بر پایه اندیشه اسلامی که شبیه‌سازی نهی شده است. نقاشان ایرانی همیشه از ترسیم واقعی اندام و چهره انسان دوری کرده‌اند که به مرور نوعی زیباشناختی خاص نگارگری و نقاشی ایرانی شده است.

۳. این معیار زیبایی بوده نه آنچه در یونان و رم بصورت نزدیک به واقعیت کشیده می‌شده است. مقیاس و تناسب در نقاشی ایرانی (برای فرار از رئالیستیک بودن) واقع‌گرایانه نیست.

* سنت تکرار این نقاشیها با توجه به محدودیت تحقیقات علمی بخصوص در شاخه‌های زیست‌شناسی و علوم تجربی در ادامه این نقاشی‌های ۵ یا ۶ گانه با تغییرات جزئی تا دوره قاجاریه تداوم می‌یابد.






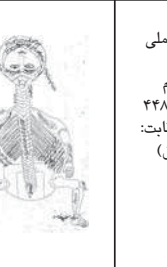
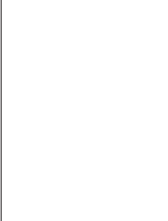
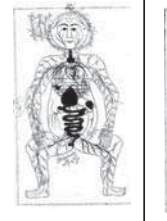
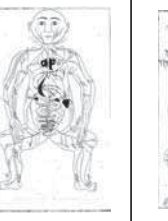


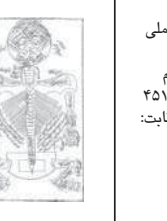
* با نگاهی گذرا به تصاویر جدول زیر، هر بیننده‌ای شباهت بنیادینی را، که وجه اشتراک این تصاویر است، دریافت می‌کند که مشخص است عین به عین از نسخه قبلی کپی شده است و چون جنبه آموزشی داشته است ترسیم گر نهایت توجه خود را به جزئیات و خلق تصویری صحیح معطوف داشته است. او اجازه دخل و تصرف در این گونه ترسیم ابداعی نداشته و البته روشی جایگزین این نیز برای بیان موضوع با توجه به آنچه در پژوهش حاضر آمده است وجود نداشته است. توضیحات که در نسخه خطی آمده با توجه به هر بخش و تصویرش دست نخورده باقی مانده و امانتداری رعایت شده است تا نسخه مورد قبول و کاربردی باشد. همچنان به جنبه علمی و کاربردی این نسخه و تصاویر و مدارش تأکید داشته و تنها به اشاراتی جزئی در نحوه اجرا با توجه به سلیقه، ذوق، تبحر و هوش بصری ترسیم گر می‌توان اشاره کرد. فشار قلم و نازکی و ضخامت خطوط (ردیف ۲ جدول)، انباشتگی در نوشته‌های دور تصاویر با توجه به حجم مطالب و و ریز و درشت شدن نوشتار (مقایسه ردیف ۱ با ۲)، حذف نوشتار یا مختصر کردن نوشتار و اکتفا به توضیحات کتاب (ردیف ۵، ۶ و ۷) و ایجاد فضای گرافیکی با توجه به انحناهای تصاویر که کاملاً ذوقی است (مقایسه تصویر ۳- عضلات- ردیف ۱، ۲ و ۷)، شاهد تفاوت‌هایی در رنگ‌آمیزی هستیم که چون به اصالت تصاویر آسیبی وارد نمی‌کرده است باز به حیطه ذوق ترسیم گر وابسته است و ترسیم گر توانسته با همین تفاوت‌های اندک و محدودیت رنگ‌ها بخشهای مختلف بدن را از هم تفکیک کند. در تصویر شماره ۶ که بارداری را نمایش می‌دهد تنها در برخی تصاویر با کشیدن مو (ردیف ۶ و ۸)، به زن بودن و نمایش واقعی تأکید شده است.

نمونه‌هایی از تصاویر نسخ مختلف کتاب تشریح الابدان در (جدول ۱) ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه تصاویر کتاب تشریح الابدان، مأخذ: نگارندگان

نسخه	تصویر شماره ۱ (استخوان)	تصویر شماره ۲ (اعصاب)	تصویر شماره ۳ (عضلات)	تصویر شماره ۴ (ورید)	تصویر شماره ۵ (شراین)	تصویر شماره ۶ (اعضای مرکبه - بارداری)
کتابخانه دانشگاه تهران نسخه خطی شماره ۴۵ (تاریخ کتابت: ۱۲۶۱ ه ق)						
کتابخانه ملی ملک ن. خ شماره ۴۵۱۷ (تاریخ کتابت: ۱۱۷۰ ه ق)						
کتابخانه مجلس شورای اسلامی ن. خ شماره ۶۱۷۸ (تاریخ کتابت: سده دوازدهم)						
کتابخانه مجلس شورای اسلامی ن. خ شماره ۶۳۷۹ (تاریخ کتابت: ۱۰۶۸ ه ق)						
کتابخانه مجلس شورای اسلامی ن. خ شماره ۷۴۳۰ (تاریخ کتابت: ۱۱۷۰ ه ق)						
نسخه	تصویر شماره ۱ (استخوان)	تصویر شماره ۲ (اعصاب)	تصویر شماره ۳ (عضلات)	تصویر شماره ۴ (ورید)	تصویر شماره ۵ (شراین)	تصویر شماره ۶ (اعضای مرکبه - بارداری)
کتابخانه مجلس شورای اسلامی ن. خ شماره ۲۸۲۵ (تاریخ کتابت: ندارد)						
مجموعه داوودخلیلی لندن						

ادامه جدول ۱.

						کتابخانه ملی ملک میکروفیلم شماره ۴۴۸۳ (تاریخ کتابت: ۱۰۵۸ ه ق)
						کتابخانه ملی ملک میکروفیلم شماره ۴۵۱۷ (تاریخ کتابت: ندارد)

نتیجه

تشریح الابدان، کتابی شاخص در علم کالبدشناسی است که در زمان تألیف (۷۸۹ق/۱۳۹۶م)، در نوع خود بی نظیر است و ترسیم فیگورهای انسانی بر اهمیت این کتاب افزوده است. در پاسخ به سؤال پژوهش، که ریشه‌های این تصاویر کجاست، نظرات متفاوتی در مورد ریشه این تصاویر وجود دارد. برخی آن را به ایران باستان و مانویان، برخی به سنت‌های نقاشی چین و عده‌ای نیز معتقدند که این تصاویر از مدرسه اسکندریه و یونان به ایران آمده است. به نظر نویسندگان می‌تواند این تصاویر التقاطی از تأثیر این فرهنگ‌ها باشد. اما آنچه در نگاه اول می‌توان دید صورت‌های فیگورهاست که ویژگی‌هایی مغولی دارد که در نتیجه یورش مغولان و ارتباط با خاور دور است با اشاره به اینکه فراموش نکنیم که نقاشی‌های چینی پیش از ورود به ایران از تصویرگری مانویان متأثر است. اما داشتن ریشه‌های یونانی در این تصاویر دور از ذهن است چرا که در این دوران با نقاشی‌های رئال در غرب مواجهیم که ارتباطی به این طراحی‌ها ندارد و در پاسخ به سوال دیگر پژوهش که تصاویر این نسخه آیا جنبه‌های زیبایی‌شناسی دارد و اصول هنری زمانه در این آثار تأثیرگذار بوده اند؟ اینکه این فیگورها از نظر زیباشناسی تحلیل نشده‌اند و حتی جذابیت‌های آن‌ها دیده نشده است، شاید به محجور بودن تصاویر در نسخه‌های خطی پزشکی برمیگردد که عناصر و تناسبات هنری الویت محسوب نمی‌شده و بیان علمی و رسایی معنا هدف است. با این حال ترسیمگر با بهره‌گیری از ذوق و سلیقه شخصی دست به نوآوری‌های زده که خلاقانه و قابل تأمل است. هنرمند با آزمودن شیوه‌های نو توانسته از مرزهای اجتماعی و هنری غالب عبور و با حفظ عنصر خلاقیت به بیان علمی کمک کند. اینکه نقاش ایرانی ناگزیر بوده بر پایه آموزه‌های دینی از شبیه‌سازی دوری کند و به الفبایی و ویژگی‌های خاص برسد. این کار با ساده‌سازی اشکال، موجز کردن عناصر، حذف رنگ، ابعاد و مقیاس‌های غیر واقعی و... میسر شده است. نقاش هوشمند با استفاده از خط و متن بصورت شکلی و تزئینی و بکارگرفتن این المانها همراه اشکال گرافیکی و توشیح... به بیانی جدید رسیده است. استفاده از پرسپکتیو مقامی با استفاده از رنگ و پس و پیش کردن عناصر به طبقه بندی اعضا بدن کمک کرده است. همینطور با استفاده از عنصر تخیل و با بهره‌گیری از نوشته و خط، تحرک را القا می‌کند. این فیگورها از منظر زیباشناسی قابل تحلیل، متأثر از هنر گذشته و زمان خود و تأثیر گذار در دوره‌های پس از خود هستند.

منابع و مأخذ

آداموا، ا. ت و گیوزالیان. ل. ت. ۱۳۸۲. نگاره‌های شاهنامه. ترجمه زهره فیضی. تهران: وزارت فرهنگ و



- ارشاد اسلامی و سازمان چاپ و انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. آژند، یعقوب. ۱۳۷۸. مکتب نگارگری شیراز. تهران: فرهنگستان هنر.
- اسماعیلی، شیدا. ۱۳۸۹. «نمونه‌هایی از تصاویر تاریخ پزشکی اسلامی»، پیام بهارستان - ویژه نامه تاریخ پزشکی، سال دوم، دوره دوم. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۹۱۷-۹۲۸. اشپولر، برتولد. ۱۳۷۲. تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- افشار، ایرج. ۱۳۸۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک. تهران: کتابخانه ملی ملک.
- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۷۸. تاریخ ایران پس از اسلام، از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه. تهران: نامک.
- الگود، سیریل لوید. ۱۳۵۲. تاریخ پزشکی ایران. ترجمه محسن جاویدان. تهران: اقبال.
- الگود، سیریل لوید. ۱۳۷۱. تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه باقر فرقانی. تهران: امیرکبیر
- بیگ باباپور، یوسف. ۱۳۸۴. «تشریح الابدان منصوروی نگاهی گذرا به کتاب تشریح بدن انسان»، آینه پژوهش، شماره ۹۵، ص ۵۶-۶۰.
- بیگ باباپور، یوسف. ۱۳۹۵. «تصویرنگاری تشریح در پزشکی دوره اسلامی»، دایرة المعارف پزشکی اسلام و ایران، ج ۲. تهران: امیرکبیر، ص ۷۵۹-۷۶۵.
- پاکباز، رویین. ۱۳۷۹. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: نارستان.
- پاکباز، رویین. ۱۳۸۷. دایرة المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
- پوپ، آرتور اوپهام. ۱۳۷۲. مینیاتورهای ایرانی. ترجمه حسن نیر. تهران: بهار.
- تاج بخش، حسن. ۱۳۷۹. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، ج اول. ایران باستان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تجویدی، اکبر. ۱۳۵۲. نقاشی ایرانی از کهن ترین روزگار تا دوران صفویه. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- تیتوس، بورکهارت. ۱۳۸۱. هنر مقدس. ترجمه جلال ستاری، چاپ سوم. تهران: سروش.
- حاتم، غلامعلی. ۱۳۹۱. هنر و تمدن اسلامی ۲. تهران: دانشگاه پیام نور.
- حصیری، افسانه. ۱۳۸۹. «معرفی و گزارشی از تشریح الابدان»، کتاب ماه علوم و فنون، ص ۷۷-۷۸.
- خزائی، محمد. ۱۳۸۵. «نقش سنتهای هنری ساسانی در شکل گیری هنر اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم هجری»، کتاب ماه هنر، شماره ۹۹ و ۱۰۰، ص ۳۶-۴۹.
- خزائی، محمد. ۱۳۸۱. «سیر و تحول طراحی در نقاشی ایرانی از ابتدای دوره اسلامی تا اواخر مغول»، مدرس هنر، دوره اول، شماره اول، ص ۲۳-۳۲.
- رضوی برقی، حسین. ۱۳۸۴. در سنامه دانشجویان پزشکی کهن، تهران: نشر اهل قلم.
- رمضانی، سمیه و حسن بلخاری. ۱۳۸۸. «تأثیر هنر ایران کهن بر مکتب شیراز دوران آل اینجو»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۴، ص ۳۴-۴۳.
- زمانی، عباس. ۱۳۵۵. تأثیر هنر ساسانی بر هنر اسلامی. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- سارتن، جورج. ۱۳۸۳. مقدمه بر تاریخ علم. ترجمه غلامحسین صدری افشار، ج ۳. تهران: علمی فرهنگی.
- سودآور، ابوالعلا. ۱۳۸۰. هنر در بارهای ایران. ترجمه ناهید محمد شمیرانی. تهران: کارنگ.
- شریعت پناهی، ماهیار. ۱۳۹۰. «ابن الیاس» دایرة المعارف پزشکی اسلام و ایران، ج ۱. تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۴-۱۷۷.
- شریعت پناهی، ماهیار. ۱۳۹۵. «تشریح الابدان»، دایرة المعارف پزشکی اسلام و ایران، ج ۲. تهران: امیرکبیر، ص ۷۶۵-۷۷۰.

صدرایی، خویی. ۱۳۷۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

علی نژاد، رقیه. ۱۳۸۷. «تشریح الابدان یا تشریح منصوریه»، کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۱۱۰ و ۱۱۱، ص ۱۰۰-۱۰۵.

فدائیان، مجید- پژوهشگر حوزه نقاشی ایرانی. - ۱۳۹۴. مصاحبه کننده: شیدا اسماعیلی، تهران. فقیهی رنانی، نرگس. ۱۳۹۴. بررسی جنبه‌های آموزشی و تصویری کتاب تشریح منصور بن احمد بن یوسف (تشریح الابدان). پایان نامه کارشناسی ارشد هنر، دانشگاه شاهد، استاد راهنما: پرویز اقبالی، استاد مشاور: خشایار قاضی زاده.

قادری، الهه و محمد خزائی. ۱۳۸۹. مروری بر تصویرسازی علمی: کتب خطی ایران در دوره ایلخانی: منافع الحيوان. نسخه مورگان. کتاب ماه هنر، ش ۱۴۱، صص: ۱۰۰-۱۰۷. قرآن کریم. ۱۳۶۳. ترجمه سید کاظم معزی، تهران: نشر صابرين.

قزه گزلی، کامران. ۱۳۸۶. «تشریح الابدان»، اطلاعات حکمت و معرفت، سال دوم، شماره ۶، ص ۸۹-۹۱. کرامتی، یونس. ۱۳۸۷. «تشریح»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵. تهران: نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۶۹-۲۶۳.

کریستن سن، آرتور. ۱۳۳۲. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر. کن بای، شیلا. ر. ۱۳۷۸. نقاشی ایران. ترجمه مهدی حسینی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر. گروه طب اسلامی و سنتی فرهنگستان علوم پزشکی ج.ا. ۱۳۸۷. گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، زیر نظر علی اکبر ولایتی. تهران: فرهنگستان علوم پزشکی ج.ا.

گری، بازیل. ۱۳۵۵. نگاهی به نگارگری در ایران. ترجمه فیروز شیروانلو. تهران: قدس. گری، بازیل. ۱۳۶۹. نقاشی ایران. ترجمه عربعلی شروه. تهران: عصر جدید.

گلشنی، علی رضا و ابوالقاسم فروزانی و زیبا غفوری و نرگس کونجون. (۱۳۹۱). «مکتب پزشکی شیراز از آل بویه تا آغاز صفوی»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، سال سوم، شماره سوم، ص ۳۴۱-۳۵۰.

مراثی، محسن. ۱۳۹۱. «تبیین بررسی چگونگی ترکیب نوشته و تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز دوره آل اینجو»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۲۳، ص ۴۳-۵۱.

محمدی ملایری، محمد. ۱۳۷۹. تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. پیوست ها. تهران: توس.

محمدی وکیل، مینا و حسن بلخاری قهی. ۱۳۹۳. «از تحریم صورتگری تا صورت نگاری عریان. نگاهی به سیر تحول نمایش پیکره انسان در تاریخ هنر و به ویژه ایران»، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۱۹، شماره ۲، ص ۵-۱۶.

معتقدی، کیانوش. ۱۳۸۷. «کتابت و کتاب آرایی در مکتب شیراز: شکوه خوشنویسی و تذهیب در مکتب شیراز. سده‌های هشتم و نهم هجری»، آینه خیال، شماره ۱۰، ص ۱۱۸-۱۲۵.

منزوی، احمد. ۱۳۴۸. فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه ای.

منزوی، احمد. ۱۳۸۲. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱. تهران: نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

منصور بن یوسف بن الیاس شیرازی. ۱۳۸۳. تشریح بدن انسان معروف به تشریح منصوریه، به کوشش حسین رضوی برقی. تهران: مؤسسه مطالعات تهران- دانشگاه مک گیل و مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها.

منصور بن یوسف بن الیاس شیرازی. ۱۳۸۵. تشریح الابدان، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخائر



اسلامی.

ناطقیان، نیکو. ۱۳۸۳. «بررسی نگاره‌های کتاب تشریح منصور» هزننامه، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۳۸-۴۷.

نجم آبادی، محمود. ۱۳۴۲. فهرست کتاب‌های فارسی طبی و فنون وابسته به طب. تهران: دانشگاه تهران.
نیک سرشت، مائده. ۱۳۸۹. واژگان تخصصی تشریح در قرن ۸ هجری قمری به استناد کتاب تشریح الابدان منصور بن محمد بن احمد بن الیاس شیرازی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران، دانشکده ادبیات رشته تاریخ. استاد راهنما: ساسان طهماسبی، استاد مشاور: فرید قاسملو |
وزیری، علینقی. ۱۳۷۳. تاریخ عمومی هنرهای مصور، جلد دوم. تهران: هیرمند.
نسخه‌های خطی:

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۴۵۰، دانشگاه تهران.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۴۵۱۷، کتابخانه ملی ملک.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۶۰۰۰، کتابخانه ملی ملک.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۴۴۸۳، میکرو فیلم، کتابخانه ملی ملک.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۴۵۱۷، میکرو فیلم، کتابخانه ملی ملک.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۲۸۳۵، مجلس شورای اسلامی.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۶۱۷۸، مجلس شورای اسلامی.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۶۳۷۹، مجلس شورای اسلامی.

تشریح الابدان نسخه خطی شماره ۷۴۳۰، مجلس شورای اسلامی.

تشریح الابدان مجموعه داوود خلیلی، لندن.

Brend, Barbara & Charles Melville. 2010. Epic of the Persian kings. The art of Ferdowsi's, (Shahnameh), The Fitzwilliam Museum, Cambridge, L.B. Tauris & Co Ltd, picture(223): ZAHHAK PINNED TO MT DAMAVAND

Elgood C. 1952. A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate. London: Cambridge Un

Pancaroglu, oya. 2001. socializing medicine: illustrations of the kitab al-diryaq, Muqarnas, Vol. 18, pp. 155-172

Price M. 2001. History of ancient medicine in Mesopotamia and Iran. www.iranchamber.com/history/articles/ancient_medicine_mesopotamia_iran.php. iversity Press.

Shoja MM, Tubbs RS. 2007. "The history of anatomy in persia", Anatomical Society of Great Britian and Irland, pp 359- 378.

Newman, Andrew. 1998. Tashrih-e Mansuri: human anatomy between the Galenic and prophetic medical traditions. In La Science Dans le monde Iranien. eds Vesel Z, Beikbaghban H, Thierry B. pp 253- 271. Tehran: Institut Francais de Recherche en Iran.

Study of the Images of “Tashrih Al-abdan” Medical Manuscripts

MahtabMobini(Corresponding Author), Assistant Professor,Department of Art, Payame Noor University,Tehran, IRAN.
SheidaEsmaili, MA Student in Art Research, Payame Noor University,Tehran, IRAN.

Received: 2016/7/20 Accepted: 2017/4/19



The objective of this study is to evaluate the images in “Tashrih Al-abdan” medical manuscripts by Ibn Elias Shirazi who have used figurative drawing to depict various body organs that have been rarely mentioned in researches. Being intrepidly simple, the images present innovations that have no similar example in the eighth century AH. The aim of this study is to introduce and review the images in the book, the origins of these images and analysis of the figures that are stimulating in terms of proportions, simple sketching, realism, and so on. In this context, the following questions arise: Where are the roots of these images? Do these images have aesthetical aspects, and were they influenced by their contemporaneous artistic principles? In this study, descriptive-analytical and library research methods were used to collect information. This paper studies the roots of these images with three assumptions: 1.the ancient Iran (influenced by Manichaeism manuscripts) 2.Greece (which has been at the forefront of medical science) 3.Central Asia (China and Mongolia, the Mongol reign in Iran and the resemblance of these images to the Chinese ones). But regarding the aesthetical elements, the results show that the use of perspective on rank, drawing on color and changing the position of elements, has helped classification of body parts. Also using the element of imagination and sometimes writing, induce the feeling of mobility. The artist has crossed dominant social and artistic lines of his time through examination of a new method and has helped the scientific expression while maintaining the element of imagination.

Keywords: Medical Manuscript, Tashrih Al-abdan, Tashrih Mansouri, Islamic Period, Anatomy, Art in Medicine.